

# فریاد با لبان دوخته



یکشنبه ۲۳ آبان ۱۳۸۹ - ۱۴ نوامبر ۲۰۱۰  
میدان آکادِمیا در آتن، پایتخت یونان این روزها ظاهراً به آخرین پناهگاه عده ای از هموطنان آواره ما تبدیل شده است.  
به گزارش ندای آزادی، تقریباً از سه هفته قبل تا کنون حدود بیست پناهنده ایرانی در این میدان، روبروی دانشگاه آتن با لبان دوخته در اعتصاب غذا به سر می برند. هدف از این فعالیت اعتراضی انتقال آنان به کشوری امن تر از یونان است.  
خواستی به حق، ولی این همه داستان نیست.

مشاهده این صحنه رقت بار خود گویای مشکلات و فجایع دیگری نیز می باشد.



حضور حتی همین عده محدود از ایرانیان که در میان آنان هم استاد دانشگاه، هم قهرمان جودو و هم تعمیرکار با سابقه اتوموبیل دیده می شود، خبر از فاجعه ای بزرگ می دهد که هم اکنون در سرزمین ما در جریان است. با دیدن این عده می توان حدس زد که چگونه و با چه سرعتی ایران رفته رفته از نیروهای کارآمد تخلیه می شود. چنین به نظر می رسد که احمدی نژاد و



خامنه ای قصد آن را دارند که از "شر" همه انسانهای کارآمد راحت شوند. دیگر تنها ملاک های سیاسی تعیین کننده نیستند. ایران ظاهراً برای آدم های عادی هم غیر قابل تحمل است.  
حضور این لبان دوخته در آتن در عین حال نشان از شکست کامل نظام پناهندگی اروپاست. بیش از 80 درصد متقاضیان پناهندگی در اروپا خود را از طریق مرز ترکیه و یونان به اتحادیه اروپا می رسانند. ولی یونان با این که از اعضای این اتحادیه است فاقد استانداردها، توان و امکانات مالی و قانونی برای رسیدگی به خواسته این پناهجویان است. نه تنها ایرانیان، بلکه افغانها، عربها و دیگر متقاضیانی که در سطح شهر آتن پراکنده اند، یونان را زندانی می دانند که در آن گرفتار آمده اند.  
نه راه پس و نه راه به پیش به طرف کشوری دیگر در اروپا.  
دولت یونان خود اذعان دارد که نه دستگاه های اجرائی اش، نه سیستم قضائی اش و نه توان مالی اش قادر به حل این معضل است. ولی

پناهنده ای که یک بار در یکی از کشورهای اروپائی درخواست پناهندگی سیاسی کند، دیگر حق آن را ندارد که به کشور دیگری در اروپا مراجعه کند. این است مفهوم زندان! ولی صحنه لبان دوخته در میدان آکادمیای آتن آدمی را به این فکر می اندازد که چرا ما ایرانیان تمایل به خودآزاری داریم؟



آیا زنجیرزنی و قمه زنی پایان ماجراست و یا این همواره خود را به اشکال گوناگون نشان می دهد. همدردی با این دوستان نباید مانع از طرح این سؤال شود که چرا با لبان دوخته؟ به خصوص هنگامی که در میان این معترضین مادر یک کودک هم دیده می شود. قصد جلب ترحم داریم و یا می خواهیم بن بست را نشان دهیم که در آن گرفتار آمده ایم.



هیچ کدام از این هدف ها توجیه گر لبان دوخته، توجیه گر از خود گذشتگی نیستند.



از نگاه روانی و فلسفی فاصله چندانی میان لب دوختن و عملیات انتحاری نیست. هر دو با انگیزه سیاسی است و هر دو با قربانی کردن جسم و جان خویش. ولی جنایات جمهوری اسلامی چنان ابعادی دارد که گاه آدمی را از طرح سؤال های اساسی تری باز می دارد. به یاری این دوستان بشتابیم

